

کیوان جوکار^۱

تاریخ دریافت: ۹۹/۱/۱۶

احمد بخشایشی اردستانی*^۲

فردین باقری^۳

تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۱۳

عبدالحسین الله کرم^۴

چکیده

مساله تکثر قومی و مذهبی در همه کشورها جزء دغدغه‌های اصلی سیاستمداران بوده و هست و زمانی که این موضوع با امنیت ملی گره می‌خورد از اهمیت و حساسیت فوق العاده ای برخوردار می‌شود. این نکته را همواره باید در نظر داشت که بحث تکثر قومیت و تفاوتی که بین قومیت‌ها وجود دارد سرآغاز برخی تنش‌ها در جامعه است. براین اساس پژوهش حاضر با هدف آینده پژوهی موثر بودن شکاف قومی، مذهبی بر آرامش ملی حکومت اسلامی (مخصوصاً قوم کرد و بلوچ) انجام شده است. پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی و با ترکیبی از روش اسنادی و پیمایشی اجرا شده است. جمع‌آوری اطلاعات بخش پیمایشی پژوهش به وسیله ابزار پرسشنامه‌ای که توسط محقق نگارش شده است و روایی و پایایی آن مورد سنجش قرار گرفته است، انجام گردید. برای تحلیل اطلاعات از آمارهای توصیفی و استنباطی (با استفاده از نرم افزار Spss) و همچنین از روش تحلیل swot استفاده گردید. نتایج نشان داد که قوم کرد واگرایی بیشتری نسبت به قوم بلوچ دارند و در مجموع میزان دهمگرایی این دو قوم با حکومت مرکزی ضعیف است. همچنین به نظر می‌رسد که چشم انداز شکاف‌های قومی و مذهبی در مناطق کرد نشین و بلوچ نشین از لحاظ امنیت پایدار بماند و به عنوان یک پازل فرهنگی در جامعه متکثر ایران، شرایط فعلی را حفظ نماید، و در این برهه نحوه اقدامات دولت در مهار این بحران و حفظ منافع و امنیت ملی کشور بسیار حیاتی است.

واژگان کلیدی: آینده پژوهی، شکاف قومی - مذهبی، امنیت ملی، قوم بلوچ، قوم کرد

^۱ گروه علوم سیاسی - جامعه‌شناسی سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. jokark@yahoo.com

^۲ گروه علوم سیاسی - اندیشه سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Ahmadbakhshi0912@gmail.com

^۳ گروه علوم سیاسی - اندیشه سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. dr.fardinbagheri@yahoo.com

^۴ گروه علوم سیاسی - اندیشه سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. hoseinallahkaram@yahoo.com

ایران کشوری است که گروه‌های قومی و مذهبی گوناگونی را در خود جای داده است. گروه‌هایی که بعضاً در مقاطع تاریخی مختلف مشکلات بزرگی را پیش روی امنیت ملی و یکپارچگی کشور ایجاد کرده است. گاه این معضلات ناشی از شکاف قومیتی و گاه برگرفته از شکاف مذهبی بوده است که در دوران قبل و پس از انقلاب اسلامی شاهد آن بوده ایم. همچنین منطقه خاورمیانه که ایران واقع شده است به دلیل موزاییکی بودن آن از جهت نژادی و مذهبی از دیرباز شاهد بحرانهای متعددی بوده است. تحولات اخیر منطقه بویژه در کشورهای سوریه، یمن و برگزاری همه پرسی استقلال در اقلیم کردستان عراق و همچنین سیاستهای غرب و متحدان منطقه‌ای آن نشان از این دارد که شکاف قومی مذهبی در حال تشدید شدن است.

با توجه به تنوع قومیتی در ایران، پژوهشگران ایران را کشوری ترکیبی توصیف می‌کنند. لذا در این نوع از جامعه شناسایی قومیت‌ها بسیار ارزشمند و مهم به نظر می‌رسد. هر منطقه از ایران قوم خاصی را در خود جای داده است و این به دلیل تنوع جغرافیایی ایران است و این که هر قوم با نوعی از منطقه جغرافیایی سازگاری دارند. در شرق کشور شاهد حضور قوم بلوچ هستیم که گستره آن به خارج از ایران نیز رسیده است. دور بودن این قوم از مرکز ایران موجب شده است از اتفاقات متفاوتی که در ایران افتاده است، به دور باشند و به همین دلیل کمتر تغییر و تحول یافته‌اند. مرز نشین بودن این قوم نیز آنها را مستعد پذیرش تحرکات قومی و بعضاً تجری طلبانه کرده است. شرایط مشابهی با آنچه در مورد قوم بلوچ گفته شد برای قوم کرد وجود دارد.

با توجه به آنچه بیان شد پدیده قومی شدن و ایجاد هویت‌های متفاوت، اهمیت بسیاری در دنیای کنونی یافته است چرا که این تنوع قومیتی موجب تقسیم شدن کشور، ایجاد نابرابری و بسیاری مسائل دیگر شده است. لذا می‌توان بیان کرد زمانی که بحث قومی شدن مطرح می‌شود در نتیجه آن باید تضعیف پیوند بین اعضای یک جامعه را مشاهده کرد.

با توجه به شکافها و نارضایتی‌های موجود در جامعه، محقق می‌خواهد ببیند این شکافها اولاً، از چه نوعی است. ثانیاً، کدامیک از این شکافهای قومیتی و مذهبی برهم تفوق دارند و ثالثاً، با بازشناسی آنها و ارائه رهیافت چگونه می‌توان این تنشها و چالشها

را به حداقل رساند. بدیع و نو بودن رساله من در بازشناسی این شکافها و ارایه رهیافت به منظور کم شدن تنشها و استمرار جامعه ما است. لذا در این مطالعه از یک سو اختلافها و اشتراکها الگویی اقوام کرد و بلوچ در ایران و از سوی دیگر عوامل تهدیدکننده آنها جهت پیگیری علیه همگرایی و امنیت ملی را می پردازیم.

سابقه موضوع و نوآوری

حاجیان (۱۳۹۱) در مقاله ای با عنوان «هویت ایرانی-اسلامی و امنیت پایدار جمهوری اسلامی» بیان کرد که برای اینکه امنیت پایدار برقرار گردد، باید بین انواع خرده هویتها از نظر فرهنگی، اتحاد برقرار گردد. به طور مشخص برقراری امنیت پایدار در جمهوری اسلامی منوط به پیوند زنی و تعامل میان هویت های متعدد فرهنگی و اجتماعی است و باید ظرفیت های تکنیکی و مهارت های ارتباطی برای افزایش تعاملات بین فرهنگی ارتقاء و افزایش یابد.

عزیزی و آذرکمند (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «جست و جو عامل واگرایی قوم بلوچ و نتیجه آن بر امنیت کشور در سال ۹۰» نتیجه گرفتند که برخورد سخت با گروه های قومی موجب افزایش فاصله مردم از حکومت و افزایش فاصله سیاسی می شود. همین امر احساس رضایت را کاهش داده و انسجام را کم رنگ می نماید.

کاویانی راد (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «تصویر چگونگی قومی در اتحاد ملی» اقوام بلوچ به دلیل فاصله زیاد از مرکز کشور در تحولات ایران کمتر دخیل بوده و به همین تناسب بهره کمتری از منافع ملی برده است.

هدف پژوهش

هدف از پژوهش حاضر بررسی وضعیت واگرایی و همگرایی اقلیت های قومی و مذهبی در کشور با اولویت قدم بلوچ و کرد می باشد.

فرضیه

قوم کرد به سمت واگرایی بیشتر سوق پیدا می کند
 قوم بلوچ به سمت واگرایی بیشتر سوق پیدا می کند.
 بین قوم بلوچ و کرد به لحاظ واگرایی تفاوت معنی دار وجود دارد.

روش پژوهش

این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و در این نوشتار براساس روش اسنادی و کتابخانه ای و مطالعه منابع و اسناد مکتوب و موجود با تکیه بر منابع مکتوب در حوزه قومیت و هویت قومی، نقش قومیت‌ها و هویت آنها در تولید و حفظ امنیت به صورت پایدار بررسی شده است که پس از جمع‌آوری داده‌های معتبر، نسبت به تجزیه و تحلیل آنها اقدام شده است. روش گردآوری داده‌ها کتابخانه ایی و پرسشنامه ای است و همچنین اطلاعات از طریق مقالات و مصاحبه جمع‌آوری می‌گردد. در تحقیقات توصیفی و نیز تحقیقاتی که از گستره جغرافیایی زیادی برخوردار باشد با افراد جامعه آماری و نمونه آن زیاد باشند، غالباً از روش پرسشنامه‌ای استفاده می‌شود. به همین جهت ما در این تحقیق از روش فوق‌الذکر استفاده کرده ایم. برای تایید روایی پرسشنامه از نظر خیرگان استفاده شد و پرسشنامه در اختیار تعدادی از اساتید قرار گرفت و نظر آنها در مورد پرسشنامه لحاظ شده و تغییرات لازم انجام گردید و در ادامه برای تایید پایایی پرسش نامه از آلفای کرونباخ استفاده شد و ۳۰ نمونه در جامعه آماری توزیع شد و آلفا آنها مورد بررسی قرار گرفت که نتایج در جدول (۱) ارائه شده است با توجه به نتایج بدست آمده میزان آلفای پرسشنامه ۰/۸۷۸ محاسبه شد که نشان دهنده نرمال بودن و پایایی مناسب پرسشنامه است.

جدول (۱): نتایج آلفای پرسشنامه

نمره الفای	شاخص	
۰/۸۷۸	پرسشنامه بلوچ ۱۵ سوالی	۱
۰/۸۱۶	پرسشنامه کرد ۱۴ سوالی	۲

ساختار نظری

تعاریف:

قوم: قوم یعنی یک گروه از انسان‌ها که دارای یک افسانه، فرهنگ و خاطرات مشترک هستند و در قبال یکدیگر احساسا مسئولیت می‌کنند (اسمیت^۱، ۱۹۹۸: ۱۶۸؛ نقل در ایوبی، ۱۳۷۷: ۱۷).

قومیت: واژه قومیت در فرهنگ و بستر دو معنی دارد:

۱- غیرمسیحیان و غیرکلیمیان یا کسانی که به مسیحیت نگریده اند.

^۱ Smith

۲-منسوب به ویژگی های جسمی و ذهنی نژاد یا مربوط به تمییز دادن گروه های نژاد بشری براساس آداب، رسوم و ویژگی های مشترک.

سیاست قومی: سیاست قومی یعنی طرح تدبیر مناسب جهت تنظیم روابط بین قومیت‌ها با دولت و نظام حاکم و مشخص کردن حقوق هر کدام از طرفین. هدف از این کار ایجاد همبستگی و اتحاد است (موسسه مطالعات ملی، ۱۳۸۰: ۱۰-۸).

اتحاد ملی: متغیر اتحاد ملی مشعر به چگونگی صورت‌تبدلی نیروها و گروه‌های اجتماعی - سیاسی است. این متغیر از نظر امنیت ملی مساله ای حایز اهمیت تلقی می شود. لذا هرچه یک دولت - ملت اتحاد و انسجام بیشتری داشته باشند وضعیت امنیتی آن باثبات تر است و شکنندگی آن کمتر است (افتخاری، ۱۳۷۷: ۱۲).

امنیت: امنیت یعنی وجود رضایت و اعتماد بین دولتمردان یک جامعه و مردم. در جای دیگر امنیت را فقدان ترس و تهدید معنا کرده‌اند (افتخاری، ۱۳۷۷: ۱۲). امنیت در لغت یعنی دوری از تهدید یا آمادگی برای مقابله با آن (مهری، ۲۰۰۲: ۷۷). در این بین رابرت ماندل بیان می‌کند که امنیت یک مفهوم با چند بعد متفاوت است که معنی متفاوتی را به ذهن متبادر می‌سازد. (ماندل، ۱۹۹۸: ۴۴). اما در کل امنیت یعنی احساس آزادی.

امنیت ملی: ماندل در این باره بیان می‌کند که امنیت ملی یعنی از لحاظ مادی و روانی، فرد احساس امنیت داشته باشد. این امر جزئی از مسئولیت‌های ملی کشور است (عصاریان نژاد، ۱۳۸۳: ۳۲). کالج دفاع ملی کانادا در این باره بیان می‌کند که امنیت ملی یعنی حفظ روش زندگی که مورد پذیرش همگان است. این روش باید نیازهای انسان را برطرف نماید و انسان را از آسیب برحذر دارد (ربیعی، ۲۰۰۵: ۱۳).

همگرایی: حس تعلق و وحدت جز و جزو ملت با همه عنصرهای بوجود آورنده کشور اعم از سرزمین، نظام سیاست و ملت، طوری که افراد مابین خود و عناصر احساس جدایی و متفاوت بودن نکنند (علیپور، ۲۰۱۱: ۱۲۱). در لغت به تشکیل یک کل به وسیله اجزاء همگرایی می‌گویند (گلوردی، ۲۰۱۲: ۱۲۹).

واگرایی: واگرایی یعنی احساس جدایی. (علیپور، ۲۰۱۱: ۱۲۱). از لحاظ سیاسی واگرایی یعنی نبود اتحاد در درون یک واحد سیاسی (گلوردی، ۲۰۱۲: ۱۳۰).

نظریه نیروهای گریز از مرکز و نیروهای گراینده به مرکز هارتشورن:

هارت اعتقاد دارد در داخل کشور و در هر ثانیه، توازنی خاص بین نیروهایی که آن‌ها را نیروهای مرکز‌گریز و مرکز‌گرا می‌نامند، وجود دارد. نیروهای مرکز‌گریز دسته‌ای از افرادی می‌باشند که برای دولت در زمینه امنیت ملی ایجاد مشکل می‌کنند و مانع ایجاد هماهنگی می‌شوند. نیروهای مرکز‌گرا در واقع علت وجودی حکومت هستند که شامل اعتقادات حکومت است که موجب ایجاد هماهنگی می‌شود (مویر، ۲۰۰۰: ۲۰۰).

یکپارچگی ملی و رشد هویت‌های قومی

جهانی شدن بازارهای اقتصادی و گسترش انواع ارتباطات جهانی و تغییراتی که در روابط بین کشورها به وجود آمده، زمینه ساز روندی است که به اعتقاد پاره‌ای صاحب نظران، از اهمیت‌های دولت ملی خواهد کاست. اما با وجودی که دولت‌های ملی به عنوان اصلی‌ترین بازیگران بین‌المللی از اواسط قرن گذشته تاکنون بتدریج تن به جایگزین‌های دیگر می‌دهند، جهان همچنان شاهد خلق دولتهای ملی جدید با توجه به وسیع بودن و متنوع بودن اقوام ساکن در سیاره زمین، احتمالاً روند خلق ملت‌های جدید ادامه خواهد داشت (کونور، ۱۹۹۷: ۱۶۹ به نقل از سیدامامی، ۱۳۷۷: ۹).

رویکردهای نظری قومیت و امنیت

نظریه‌پردازان علم سیاست بیشتر بر تصویر افراد نخبه و فرماندهان فکری و طایفه در ایجاد همبستگی و هویت‌سازی قومی و ابعاد سیاسی بحران‌های قومی تأکید داشته و مشارکت سیاسی، مشروعیت نظام سیاسی و علایق قومی را مورد توجه قرار داده‌اند. در بررسی زمینه‌های بروز بحران‌های قومی از منظر علوم سیاسی به عنوان علم قدرت، عوامل و عناصر متعددی مورد توجه این رشته قرار می‌گیرند که می‌توان به تضعیف الگوی دولت-ملت، کاهش قدرت حکومت مرکزی، نقش دموکراسی، کثرت‌گرایی، فدرالیسم، خودمختاری، ناسیونالیسم قومی، سلطه‌طلبی و قطبی شدن جامعه، عدم استقرار جامعه مدنی و نظام شهروندی اشاره کرد. (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۹۳).

جغرافی‌دانان قلمرو جغرافیای سیاسی هر طایفه، تصویر هندسی کشور، پستی‌ها و بلندی‌ها، ارتفاعات، صعب‌العبور و سخت‌را که مانع ایجاد ارتباط بین قسمت‌های مختلف کشور می‌گردد، و تفاوت‌های محیطی و اثر آنها بر هویت و همبستگی ملی و

¹ Moyer

طایفه‌ای را مدنظر قرار می‌دهند. آنها همچنین نگرش اقوام و گروه‌ها به ملیت و قومیت خود و دیگران و اینکه احساسات قوم مدارانه یا ملی‌گرایانه به چه نحوی در موقعیت‌های مختلف میان افراد و میان گروه‌ها بروز می‌کند را مطالعه می‌کنند.

در حالی که از نظر روان‌شناسان اجتماعی، مطالعه چالش‌ها و گرایش‌های قومی اصالت دارد. اینان با تمرکز بر افراد و تعاملات بین گروه‌های کوچک، در پی یافتن شیوه‌هایی هستند که مردم، گروه‌ها و ملت‌ها را به هم نزدیک می‌سازند. نگرش روان‌شناسی اجتماعی ارتباط فرد با حکومت سیاسی، مردم‌پرسی نقش هویت و قومیت خود و مقوله نیاز از جمله مفاهیمی‌اند که مورد توجه قرار دارند. (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۱۰۶-۹۵).

امنیت در مکتب امنیتی کپنهاگ

در میان تمام نظراتی که در بحث امنیت مطرح شده است، مکتب کپنهاگ دیدگاه واقع‌گرایانه تری نسبت به امنیت ارائه داده است. نخستین اثر در مکتب کپنهاگ، امنیت: چارچوب جدیدی برای تحلیل، نام دارد. این کتاب یک چارچوب کلی از امنیت ارائه می‌دهد و دیدگاه سنتی به امنیت را رد می‌کند. برای امنیت در این کتاب ۵ حوزه تعریف می‌شود: نظام، سیاسی، اقتصاد، اجتماعی و زیست محیطی (بوزان^۱ و همکاران، ۱۹۹۸: ۲۲-۲۱).

مکتب کپنهاگ در بحث امنیت ۳ موضوع را مهم می‌داند:

(۱) امنیتی کردن: هدف نظریه امنیتی کردن، ساخت و ارائه نوعی تجزیه و تحلیل امنیت نو متعارف است که هسته سنتی مفهوم امنیت (بقا، تهدید وجودی) را مورد تردید قرار داده و به طور غیر جزمی در دو بخش غیر نظامی و غیر دولتی کاربرد دارد (ویور^۲، ۱۹۹۶: ۱۱۰)، (۲) بخش‌ها، (۳) مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای امنیتی کردن.

مکتب کپنهاگ تلاش کرده است به «گسترش» و «تعمیق» تعریف امنیت از طریق بیان این موضوع بپردازد که تهدیدات غیر نظامی می‌توانند امنیت، ثبات و بقای کشورها و همچنین زندگی افراد را تضعیف کنند (والت^۳، ۱۹۹۱: ۲۳۹-۲۱۱).

^۱ Buzan

^۲ Waever

^۳ Walt

بر اساس پیشرفت های انجام شده در محیط پسا جنگ سرد، دیدگاه سنتی امنیت، مورد انتقاد بسیاری از دانشمندان قرار گرفت. انتقاد اصلی بر تعریف سنتی از یک تهدید امنیتی است که طی آن درگیری بین دولتی، به عنوان منبعی از ناامنی تلقی نمی شود (بوزان و هانسن^۱، ۲۰۰۹: ۲).

برخی دانشمندان نظیر ویور (۱۹۹۵)؛ محمدایوب (۱۹۹۷)؛ مایکل کلر و دانیل توماس^۲ (۱۹۹۴)، با گسترش دهندگان تعریف امنیت موافق اند و برخی دیگر نظیر بوث^۳ (۱۹۹۱) و پیترسون^۴ (۱۹۹۲) همسوی با تعمیق کنندگان تعریف امنیت هستند. برخلاف والت، ایوب پیش بینی کرده است که شمار وسیعی از بحران های خارجی و داخلی به منظور تهدید کشور ایجاد می شوند (ایوب، ۱۹۹۷: ۱۴۵).

از سوی دیگر، کلر و توماس مفهوم امنیت را به واسطه درک و دریافت بازیگران دولتی که در مقابل مسائل جهانی کمتر قادر به انجام واکنش هستند، گسترش دادند و اینکه به جای بقای حکومت، امنیت جهانی باید مورد توجه قرار گیرد. بنا بر نقل قول مشهور رابرت آرتا در خصوص امنیت به عنوان یک مفهوم علوم اجتماعی، امنیت به لحاظ معنا مبهم است و بسیار منعطف» (آرت^۵، ۱۹۹۳: ۸۲۰).

مکتب کپنهاگ، لزوماً به ارزیابی تهدیدهای عینی نمی پردازد، بلکه فهم روندهای ساخت معانی مشترک را در نظر گرفته و نگاهی سازه انگارانه نیز دارد. روند امنیتی کردن به نوعی مثابه کنش گفتاری است. این مسئله نشانگر چیزهای واقعی تر است که مد نظر نیست، بلکه نوعی اظهار و سخن گفتن خود است که عمل می کند. با گفتن این کلمات، برخی مسائل انجام می شود (همچون، وعده دادن، شرط بندی و در کل، انگاره امنیتی کردن به مثابه روندهای برساختگی امنیت، توجه به پیوند نمادین میان امنیتی کردن و شکل هویت های سیاسی جمعی را ترسیم می کند (ویلیامز، ۲۰۰۳: ۵۱۸). بنابراین، امنیتی کردن ایجاد فضای بین الاذهانی و توجیه تهدید وجودی با شاخص های کافی در جهت نتایج قابل توجیه سیاسی است (ویور، ۲۰۰۷).

¹ Buzan & Hansen

² Klare & Thomas

³ Booth

⁴ Peterson

⁵ Art

از ویژگی اساسی و محرز مکتب کپنهاگ، شک گرایی آن به امنیت است. این مسئله دارای پیامدهای ضد دموکراتیک و ضد خلاقانه ای است. مضافاً راهبرد اصلی و معمول گسترش امنیت با فرضیه رویکرد جریان اصلی که می گوید «امنیت بیشتر بهتر است»، به نوعی در تناقض است، چرا که امنیتی کردن محیط زیست، هویت و دین، این حوزه را تحت عقلانیت بغرنج، رده بندی و استنتاج می کند (ویت شف^۱، ۱۹۸۳).

امنیت به طور سنتی قلمرو استراتژی و قدرت است (ویلیامز، ۱۳۹۰: ۱۵). لیکن مفهوم اصلی برای ما در این جا «امنیت ملی» است. مفهوم امنیت ملی به رغم قدمت و کاربرد فزاینده اش در ادبیات روابط بین الملل، هم چنان توسعه نیافته، مبهم، نارسا، ماهیتاً جدال برانگیز و متباین و متناقض است (تاجیک، ۱۳۸۱: ۳۷). اما چارچوبی که در این جا محققین برای تبیین امنیت ملی پذیرفته اند مکتب کپنهاگ است. (صادفی و نادری، ۱۳۹۵: ۱۶۹).

مطابق گفته بوزان، مکتب کپنهاگ، که در سال ۱۹۸۵ با تلاش برخی از محققان امنیت بین الملل همچون باری بوزان و اولی ویور شکل گرفت، در صدد بود، بار امنیتی را از دوش مسائل عادی بردارد و با گسترش دامنه مسائل غیر سیاسی - اجتماعی و به طور کلی عادی، مانع سوء استفاده دولت و نظامیان از موقعیت ویژه شود (بیگو^۲، ۲۰۰۲: ۶۳). مسایل مربوط به انرژی، منابع، محیط زیست، جمعیت و استفاده از فضا و دریا اکنون همتر از مسائل مربوط به امنیت نظامی، ایدئولوژی و رقابت سرزمینی شده اند که به طور سنتی به دستور کار دیپلماتیک شکل می دادند (مولر، ۲۰۰۰: ۱۷).

دلیل انتخاب مکتب کپنهاگ به عنوان چارچوب این پژوهش از آن رو است که این مکتب به واسطه دید امنیتی خود به مسائل، زمینه ای را فراهم می سازد تا گفتمان های متعدد امنیتی را در آن به بحث نشست. هم چنین باید توجه داشت که در عصر جهانی شدن، متعاقب پیچیدگی در تهدیدات، سطوح گوناگون امنیت نیز پیچیده گردیده و به نظر محققین این مکتب توانایی پوشش این سطوح گوناگون را به خوبی دارا می باشد. مکتب کپنهاگ یکی از رهیافتهایی است که صرفاً بر مطالعات امنیتی تمرکز دارد و اندیشه‌ها و افقهای جدیدی را در باب این مفهوم گشود. این مکتب بر آن است تا مسائل سنتی امنیت را به چالش بکشد و موضوعات تازه ای بر آن بیفزاید. نقطه قوت این نظر

¹ Wheatsheaf

² Bigo

این می‌باشد که دارای دیدگاه سخت نمی‌باشد و در پی این نیست که دیدگاه‌های قدیمی را به چالش بکشد.

یافته‌ها

سناریوی ۱: قوم کرد به سمت واگرایی بیشتر سوق پیدا می‌کند

جدول (۲): آزمون t تک نمونه سوق پیدا کردن قوم کرد به سمت واگرایی

متغیر پژوهش					میانگین متوسط = ۳	
فاصله اطمینان ۹۵٪	حد بالا	حد پایین	میانگین	سطح معناداری sig	مرتبه آزادی	t

قوم کرد به سمت واگرایی به سمت واگرایی بیشتر سوق پیدا می‌کند

یافته‌های جدول (۲) نشان می‌دهد که مقدار t برابر ۷/۱۷ با و سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که قوم کرد به سمت واگرایی بیشتر سوق پیدا می‌کند. نتایج نشان دهنده تمایل بیشتر اقوام کرد به واگرایی از حکومت مرکزی است. براساس نتایج جدول (۲) از نظر پاسخگویان عدم توسعه یافتگی مناطق کردنشین یکی از عوامل تشدید احساس تبعیض در بین اقوام کرد است. این نتیجه تایید کننده و همسو با نتایج پژوهش قادرزاده و قادرزاده (۱۳۹۰) و ترابی و مجیدی (۱۳۹۳) است؛ یکی از موارد موافقت دیدگاه نظری نوسازی و طبقه بندی اجتماعی، سفارش بر طرح و محل نوسازی و بسط بر زیادشدن سودمندی از منابع و امکانات گران بها در بخش های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و توسعه افق ذهن و تفکر افراد و اثر آن بر توسعه و ترجیحات هویتی و کاهش منازعات طایفه‌ای است. نتایج بررسی نشان داد که با افزایش سطح توسعه ی منطقه‌ها ی قومی، به دلیل دسترسی و بهره مندی از

منابع اقتصادی و فرهنگی، تقویت روابط فراقومی و پل‌های بیرونی، شدت و غلظت هویت قومی کاهش یافته و در مقابل، تعلقات جمعی عام تقویت می‌گردد. تأیید این فرضیه مؤید رویکردهای نظری مورد استفاده در این پژوهش مبنی بر تأثیر سطح توسعه اقتصادی - اجتماعی بر بسط و تعمیم جهت‌گیری‌های نگرشی افراد است (قادرزاده و قادرزاده، ۱۳۹۰: ۱۲۷).

شکاف قومی در کردستان عمدتاً ساخت اجتماعی و اقتصادی بوده است؛ یعنی ساخت اقتصادی بعضی مناطق مانند کردستان توسعه نیافته است، در ساخت سیاسی منظور اقلیت‌های قومی براساس قانون اساسی در مناصب سیاسی عهده‌دار مسئولیت باشند. حس محرومیت قوم کرد عمدتاً به دلیل وجود شکاف‌های مزبور و همچنین برخی ضعفها و کمی مدیریتی و عدم بهره‌گیری مناسب از ظرفیت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی در این زمینه می‌باشد. بنابراین، برای برطرف کردن ضعف‌های موجود و اصلاح مدیریت شکاف قومی در کردستان ابتدا بایستی جهت کلی مدیریت شکاف‌های قومی با رویکردی کارآمدتر مبتنی بر رعایت اصل انصاف و عدالت و رفع نابرابری منجر به

متغیر پژوهش						میانگین متوسط = ۳
فاصله اطمینان ۹۵٪		میانگین	سطح معناداری sig	رتبه آزادی	t	قوم بلوچ به سمت واگرایی به سمت واگرایی بیشتر سوق پیدا می‌کند
حد بالا	حد پایین					
۰/۱۲	-۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۳	۹۲	۰/۹۱	

احساس محرومیت و همچنین ظرفیت‌های قانون اساسی کشور، اجرایی و عملیاتی شود (ترابی و مجیدی، ۱۳۹۳: ۲۷)؛ براین اساس برای تقویت روحیه ملی‌گرایی، توزیع عادلانه فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی ضرورت دارد.

سناریوی ۲: قوم بلوچ به سمت واگرایی بیشتر سوق پیدا می‌کند.

جدول (۳): آزمون t تک نمونه سوق پیدا کردن قوم بلوچ به سمت واگرایی یافته‌های جدول (۳) نشان می‌دهد که مقدار t برابر ۰/۹۱ با و سطح معناداری بزرگتر از ۰/۰۵ است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که قوم بلوچ به سمت واگرایی بیشتر

سوق پیدا نمی کند. اگرچه در بررسی دیدگاه پاسخگویان بلوچ نسبت به همگرایی سیاسی با دولت مرکزی نتایج نشان دهنده واگرایی اقوام بلوچ بوده است و نتایج پژوهش با نتایج مطالعه طلوعی (۱۳۹۵) همسو بوده و نشان می دهد، برخی از شکاف های موجود میان قوم بلوچ با گروه قوم مرکزی (فارس زبانان)، بیانگر ناسازگاریها در تقسیم منابع اقتصادی از سوی دولت مرکزی به حوزه ی جغرافیایی پیرامون و همچنین شرایط جغرافیایی قوم بلوچ است که در قالب شکاف مرکز پیرامون مطرح می شوند. این شکاف همواره سبب به حاشیه رانده شدن زبان و فرهنگ قوم بلوچ نسبت به گروه قومی فارس شده است. برخی شکاف های دیگر حالت تاریخی دارند و ویژگی هایی پایدار در طول تاریخ دارند، مانند شکاف های مذهبی و شکاف قومی.

سناریوی ۳: بین قوم بلوچ و کرد به لحاظ واگرایی تفاوت معنی دار وجود دارد.

جدول (۴): آزمون t تفاوت بین قوم بلوچ و کرد به لحاظ واگرایی

درجه آزادی	t	سطح معنی داری	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	
۱۴۹	۶/۴۵	۰/۰۰۰	۰/۴۲	۳/۰۴	۹۳	بلوچ
			۰/۶۳	۳/۵۹	۵۸	کرد

یافته های جدول (۴) نشان می دهد که مقدار t برابر ۶/۴۵ با و سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ است. بنابراین می توان نتیجه گرفت بین قوم بلوچ و کرد به لحاظ واگرایی تفاوت معنی دار وجود دارد و قوم کرد به سمت واگرایی سوق دارد. این نتیجه علیرغم انتظار بر واگرایی بیشتر قوم بلوچ نشان داد که احساس شکاف و واگرایی بین اقوام کرد با حکومت مرکزی بیشتر است و به نظر می رسد که دولت مرکزی اقدام عملی چندانی برای کاهش این واگرایی در بین اقوام کرد انجام نخواهد داد. و بدین ترتیب در آینده این واگرایی تاثیر قابل توجهی بر امنیت ملی کشور دارد. براین اساس به نظر می رسد چشم انداز امنیت ملی به لحاظ شکاف قومی و مذهبی در مناطق کرد نشین عمیق تر شود و بی ثباتی منطقه را به واسطه تاثیرپذیری از کشورهای همسایه به دنبال خواهد داشت. البته این وقع این اتفاق در مناطق بلوچ نشین با توجه به سطح بالای محرومیت اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و سیاسی نیز دور از انتظار نیست. در نتیجه بیشتر شدن نامنی در مناطق کرد نشین و بلوچ نشین این موضوع عنوان یک عنصر هشدار دهنده

می‌تواند مقامات مرکزی را متوجه خود ساخته و برای حل و فصل شکافهای قومی و مذهبی در سه مقوله رفاه نسبی آن مناطق، بهبود و ایجاد اشتغال و بستر سازی زیرساختها، به کارآمدی دولت مرکزی بیفزاید.

نتایج

در همه کشورها مساله تکثر قومی و مذهبی جزء دغدغه‌های اصلی سیاستمداران بوده و هست و زمانیکه این موضوع با امنیت ملی گره می‌خورد از اهمیت و حساسیت فوق العاده‌ای برخوردار می‌شود. اما وجود شاخصه قومی همواره به طور بالقوه اصل بروز تنش‌های موقتی یا شکل‌گیری بحران‌های واگرا با پیامدهای درازمدت برای امنیت ملی باشد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که دو قوم بلوچ و کرد از نظر همگرایی و واگرایی با حکومت مرکزی در سطح قابل قبولی قرار ندارند و همگرایی قوم کرد نسبت به قوم بلوچ کمتر است.

این حس واگرایی موجود بخصوص در بین اقوام کرد می‌تواند به حفظ امنیت ملی کمک کند. با توجه به نزدیکی کردستان ایران به عراق و فعالیت گروه‌های آزادی بخش کرد و حمایت بسیاری از کشورهای همسایه که با ایران دارای خصومت هستند و منافع خود را در شعله ور شدن آتش تفرقه در داخل کشور می‌بینند، می‌توان گفت که مساله واگرایی موجود در بین اقوام کرد در صورت حل نشدن، در آینده منجر به چالش مهم امنیتی کشور خواهد شد. از طرف دیگر با رسمیت پیدا کردن حضور طالبان در دولت افغانستان و حمایت این گروه افراطی از گروهک‌های بنیادگرای داخل مرزهای ایران در سیستان و بلوچستان و با توجه به شرایط جغرافیایی و محرومیت‌های اقتصادی - اجتماعی موجود در منطقه می‌توان پیش‌بینی کرد که تهدید امنیت ملی یکی از مسائل مهم کشور در آینده خواهد بود.

بر اساس نظریه ایسمن افزایش نابرابری اقتصادی عامل افزایش شکاف قومی است؛ بهبود اقتصادی بر روی اقوام در اختیار دولت است. بر اساس این نظریه دولت به عنوان عنصر مهم سازماندهی مناسبات قومی در جامعه و توسعه حس همگرایی ملی در بین اقوام است. در این راستا حکومت مرکزی نتوانسته از طریق راهکارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی گام مهمی در کاهش حس واگرایی اقوام کرد و بلوچ داشته باشد.

جدول (۵): نتایج تحلیل swot:

مخرب	سازنده	عوامل درونی
نقاط ضعف	نقاط قوت	
عوامل مذهبی و زبانی وجود محیط کوهستانی و انزوای جغرافیایی نظام بنیادگرای مذهبی در کشورهای ترکیه و عراق تحركات سیاسی خشونت آمیز قومی تشکیل یک کشور مستقل کرد سهیم نبودن در مدیریت های سیاسی ملی فقدان فقدان سیاست قومی یا سیاست فرهنگی مشخص عدم رعایت عدالت اجتماعی	مشارکت نخبگان وجود زمینه های اقتصادی اجتماعی توسعه وجود پتانسیلهای توسعه اقتصادی در مناطق قومی کرد و بلوچ وجود مراکز فرهنگی و گردشگری داشتن قابلیت های تجاری به ویژه در سیستان و بلوچستان	
تهدیدها	فرصت ها	عوامل بیرونی
فعالیت گروهک هایی همچون پژاک و کومله تهدید امنیت ملی واگرایی از حکومت مرکزی ترویج تجزیه طلبی و خشونت	تقویت اتحاد مذهبی فارغ از شیعه و سنی سرمایه گذاری و توسعه اشتغال و حذف بیکاری؛ مشارکت دادن در تصمیمات سیاسی	

براساس نتایج این پژوهش باید گفت که به نظر می رسد چشم انداز شکافهای قومی و مذهبی در مناطق کرد نشین و بلوچ نشین از لحاظ امنیت پایدار بماند و به عنوان یک پازل فرهنگی در جامعه متکثر ایران، شرایط فعلی را حفظ نماید، و در این برهه نحوه اقدامات دولت در مهار این بحران و حفظ منافع و امنیت ملی کشور بسیار حیاتی است. لذا اگر یک الگو در این زمینه وجود نداشته باشد، موجب ایجاد بحران خواهد شد که مهمترین آن نبود همبستگی ملی است.

نقش کلیدی در پخش منابع در تعیین عقیده مردم مبنی بر اینکه آیا دارای سرنوشت یکسانی با هم هستند، بازی می کند. در صورتی که توزیع منابع عادلانه باشد، مردم بیشتر احساس پیوستگی بایکدیگر می کنند. اگر در توزیع ثروت در جامعه نابرابری وجود داشته باشد، مردم ممکن است این احساس را داشته باشند که منافع مشترک کمی با دیگران دارند.

این خواسته که شکاف قومی و مذهبی به یک فرصت در ایران تبدیل شود؛ بخ آسانی میسر نیست و خروج از افکار قالبی را می‌طلبد. باید نوع نگاه به مناطق مرزی تغییر کنند و نگاه یسانی به تمام مناطق شکل گیرد.

براساس نظریه مکتب کپنهاک امنیت جهانی در گرو امنیت داخلی حکومتهاست که این خود ناشی از حمایت همه افراد جامعه از حاکمیت، احترام به اصل عدم مداخله و در نتیجه برقراری نظم و امنیت در سطح ملی و بین‌المللی خواهد بود. به دیگر سخن، امنیت در یک جامعه به عوامل متفاوت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و دینی بستگی دارد.

پیشنهادات و راهکارهای کاهش شکاف قومی

- تسهیل شرایط سرمایه‌گذاری و توسعه اشتغال زایی؛
- انتخاب مدیران بومی در سمت‌های مختلف دولت؛
- گسترش توریسم و مبادلات فرهنگی؛
- دوری از انجام عملیات تنش‌زا در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی؛

۱. احمدی، حمید، (۱۳۸۷)، «تنگناهای هویت در ایران»، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، سال ۷، شماره ۷۱
۲. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۱) هویت ایرانی-اسلامی و امنیت پایدار جمهوری اسلامی، فصلنامه آفاق امنیت، دوره ۵، شماره ۱۴.
۳. ربیعی، علی. (۱۳۸۷) مطالعات امنیت ملی (مقدمه ای بر نظریه های امنیت ملی در جهان سوم)، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ چهارم، تهران: وزارت امور خارجه
۴. صالحی امیری، سیدرضا، ۱۳۸۵، مدیریت منازعات قومی در ایران، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام .
۵. موسسه مطالعات ملی (۱۳۸۰) بایدها و نبایدها در طراحی سیاست قومی جمهوری اسلامی ایران، تهران: موسسه مطالعات ملی.
۶. مایکل چارلز. (۱۳۹۰) فرهنگ و امنیت، ترجمه روحالله طالبی آرانی و مرتضی نورمحمدی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
7. Moller, Bjorn. (2000). The Concept of Security: The Pros and Cons of Expansion and Contradiction, Copenhagen Peace Research, August 2000, Accessible in: <http://www.Ciaonet/wps/moboi/index.htm>
8. Moyer, Richard. Translated by Dareh Mirheydar. (2000). New Insight Towards Geopolitics, Tehran: Armed Forces Geographical Organization. First Edition. [In Persian]
9. Naisbitt, John, Global Paradox, New York, William Morrow & Co, Inc., 1994, p. 34.
10. Pishgahifard, Zahra. (2010). Political Geography of Iran, Class Notes. P70-71. [In Persian]
11. Rabee'I, Ali. (2005). National Security Studies. Tehran: Political and International Studies Office. [In Persian]
12. Salehi Amiri, Sayyed Reza. (2006). Management of Ethnic Conflicts in Iran: Review of the Existing Models and Providing Desirable Models, Tehran: Strategic Research Center of the Expediency Council. [In Persian]
13. Smith, Anthony. (1998). Nationalism Ethnic Sources, Tehran: Quarterly Journal of Strategic Studies, First Pre Issue.
14. Waeber, O. (1995). Securitization and Desecuritization, New York: Columbia University Press.
15. Walt, S. M. (1991), "The Renaissance of Security Studies", Mershon International Studies Review, Vol. 35. No. 2.
16. Williams, Michael (2003) "Words, Images, and Enemies: Securitization and International Politics. Michael C. Williams. Article first published online: 7 NOV 2003
17. Mehri, Abbas. (2002). The Concept of National Security and Its Impact on Sustainable Development, Tehran: Quarterly of Strategic Defensive Studies. Issue 15. [In Persian]

18. Mehrabi, Alireza. (2007). Geopolitics and Evolution of Government Idea in Iran, Tehran: Entekhab Publication. [In Persian]
19. Laustsen, Carsten and Wæver, Ole (2000) "In Defence of Religion: Sacred Referent Objects for Securitization", Millennium: Journal of International Studies, Vol. 29 No. 3.
20. Mandel, Robert. (1998). Diverse Face of National Security. Translated by Institute of Strategic Security Studies. Tehran: Institute of Strategic Security Studies Publication.
21. Klare, M. & Thomas, D. (1994). World Security: Challenges for a New Century, New York: St. Martin's Press.
22. Kordpour, Mas'od. (2003). Geopolitical Analysis of Iraq's Kurdish Crisis and Its Impact on National Security of Iran, Master Thesis. Central Branch of Tehran Islamic Azad University, Faculty of Human Science, Political Geography Group. [In Persian]
23. Golverdi, Isa. (2012). Races of Iran and Field of Convergence. Tehran: Komeil Publication, First Edition. [In Persian]
24. Ghanbari, Aliashghar. (2014). The Impact of Geopolitical Developments in Afghanistan and Pakistan on the national security strategy Codification of the Islamic Republic of Iran, PhD. Thesis. Imam Hossein University, Payambare A'zam Faculty, Regional and International Studies Group. [In Persian]
25. Golver, N. (2009). "Does Security Exist Outside the Speech Act?", University of Bradford, Retrieved from <http://www.e-ir.info/search/groups/page/46/?orderby=&cat=3> (accessed 11 November 2014).
26. Chena, S. (2008). "L' E Cope De Copenhaguen Relations Internationales", in Revue Asylon, No. 4.
27. Connor, Walker, Ethnonationalism, in Myron Weiner and s. p. Huntington, Understanding Political Development, Boston, Little Brown & co, 1987.
28. Connor, Walker, Ethnonationalism: The Quest For Understanding, Princeton, Princeton University Press, 1994. p. 169.
29. Booth, K. (1991). "Security in Anarchy: Utopian Realism in Theory and Practice", International Affairs, No. 67.
30. Booth, Ken (1991) "Security and Emancipation", Review of International Studies, 17: 4.
31. Buzan, B. & Hansen, L. (2009). The Evolution of International Security Studies, New York: Cambridge.
32. Buzan, B. Waver, O. & Wilde, J. D. (1998). Security: A New Framework for Analysis, Lynne Rienner
33. Buzan, Barry (2003) Sectors and regional security complexes stem from although the main reference now is to collective Copenhagen School books (Security, A New Framework from 1998 and Regions and Powers in 2003, respectively), Securitization comes from Ole Wæver but also here the main reference is now a collective book (Security: A New Framework).
34. Bigo, Didier. (2002). Security and Immigration: Toward a Critique of the Governmentality of Unease", Alternatives, 27 (Special Issue).